

## رضائل سرخی

الناس از نامه ایام سالک اندر

## داور و داوری

## شرایط بی نظیر و تسترده قضاؤت در اسلام

در شماره گذشته نوشتم که ای تأثین دالت اجتماعی در جامعه محتاج به مسیست قضائی صحیح که با کمال عدل و انصاف اخلاق مرمدم را حل تدوه و بحقها و کشکهای داخل خالصه دهد. اسلام برای برقراری یک سیستم قضائی دلیل درجات این دو داور و داوری شرایط سکینی و پیغام آن در مطلعه این دو دلالت مرمدم را حل تدوه و بحقها و کشکهای داخل خالصه دهد. اسلام برای کشت و ایانت آنچه را که فقه اسلامی برای قضائی و قضاؤت ناروا داشته در اینجا شرح مهدوم :

۱- قاضی نباید در ساعت اداری برای خود حاجب و در بان قرار دهد ، بلکه باید طوری باشد که هر کس برای داد خواهی خواست وارد شود بدون چون و چرا بنواد ، مگر آنکه منقول

پید و مادرت نتشی تا بینی عردم برایت هدیه  
میآورند با خبر ۴

سپس پیامبر (ص) بر حاست و حبله مؤسری  
خواهد و در طی آن فرمود : «چکونه است که مادرت  
مانی را مأمور جمع آوری ذکر نمی سازیم . پس  
میگویند، این قسم مال شما وابن قسمت هدیه ای  
است که شما اهداء شده چرا چنین مأمور در خانه  
پدر و مادرش نمی نشیند تا بینند هدیه برایش می برند  
یا نه ۵ (۲)

آری قاضی حق ندارد اذکر هدیه پذیرد  
مگر اذکر کسی که با هم دوست بوده و قبلا هم از کرسی دشمن  
میگرفته است ، داد پیغامرت نیز اگر دوست هدیه  
تفسی آورد که قبل اینکه این هدیه ای برای او نمی آوده  
حق گرفتن ندارد . و نیز همین دوست اگر من افهای  
داشته باشد در ایام ترافق ، هدیه ای برای قاضی  
دوست بیرد ، قاضی حق گرفتن ندارد ۶

۶- قاضی حق ندارد من افمات شخمنی خود  
دا در دادگاهی مطرح سازد که خودش داور آن  
است .

۷- قاضی حق ندارد آنچنان عیوب بنشیند  
وزست بکرید که ارباب رجوع نتواند دلائل خود  
را با کمال جرأت بیان کند ۸

۸- قاضی نباید آنچنان گشاده رو و مفیض  
(۱) دشوه مالی است که قاضی بکرید ناحکم پنفع دشوه پرداز صادر نباید خواه واقعه حق با دشوه  
پرداز باشد پایانند ۹

(۲) هدیه مالی است که بلاعوض ب شخصی پردازند و در عوض هدیه گیر نده تمهدی نداشته باشد .

(۳) عدالت وقتنا در اسلام .

(۴) شرح نهج البلاغه این این الحدید .

عیگانی میتواند رکت کرده بشرط آنکه برای همچو  
کس همچو دسته‌ای امنیاز غائل نشود، بلکه در هر  
مهیانی عمومی که لازم و عوت شد رکت کند و تهها  
به مبهماتی دسته خاص مانند اشراف و ترو تمدنان  
برود (۳)

\* \* \*

### شرایط دادگاه

اسلام برای دادگاه پامحکم قضاۓ نیز شرایطی  
فرآوران مقرر داشته است که اینکه به پاره‌ای از  
آنها شاره می‌کنیم؛  
۱- دادگاه پایه‌دهیان شهر و من کر قتل جمیعت  
باشد تا عیگان متواند به آسانی در آنها حاضر  
شوند.

۲-دادگاه‌های دادگاهی باشد که مردم نتوانند  
به آسانی آنها را پیدا کنند و با به آنها راه پابند  
نمایند کوچه‌های فرعی و نزک و با مکانهای مرتفع  
که وسیله صدور آسان نداشته باشد.

۳-نهشی دادگاه پایه‌دان، عالق مسلمان،  
عادل و بصیر و وارد بجز یا بهای قضاۓ باشد و بهتر  
است که او نیز قصبه باشد.

۴- اگر دادگاه نیاز به ترجم داشته باشد  
پایید مترجمان حتماً دونفر بوده و عامل و درستکار  
باشند.

۵- فوج بخواهد که طرفین دعوی بر او چراست پیدا  
کنند و اگر بکی بر دعوی بود با استفاده از فرم حقوقی  
قاضی بر حرفی کند و طرف مقابل را با بیان خود  
محکوم سازد.

۶- قاضی حق ندارد در حضور داشتمدن در  
از خود بسواری بیز دادگیر المام صادق (ع) میفرماید:  
وقتی که قاضی اذخراش ان دادگاه عزیز بود: شما  
جه بیکوئید؟ - و آنها اذلو دادگیر ند - لعنت خدا  
در مردم و ملائکه بر او باد زیرا در اینسروت وظیفه  
اوست که بر خیزد و دادگیر از خود را بجای خوبی  
بنشاند (۱)

۷- قاضی نایاب به میهمان، متزل طرفین  
دعوی برود (۲)

۸- قاضی میتواند طرفین دعوی و ادعا نشاند  
خود میهمان کنند ولی حق ندارد تنها یکی از دو  
طرف دعوی را میهمان نماید. زیرا مردی و امرد  
بر امیر مؤمنان (ع) شد و چند روز متأخر آن حضرت  
ماند: سپس شکایتی را بازدآختهشت طرح کرد  
اما، با وفرمود: برای طرح دعوی آمده‌ای؟ هر من  
کرد: بلی. - حضرت فرمود: بیدار این تاخته  
دعوی از پیغای تو و مذورم! ایا اینکه رسول  
حدا (ص) نهی فرموده است که قاضی بکی از دو  
طرف دعوی را تنهای میهمان نماید.

۹- قاضی در حالت عمومی و میهمانی های

(۱) فروع کافی ج ۷ ص ۴۱۳.

(۲) سالک کتاب القناء.

(۳) کلبه آداب ذکر شده بجز آنچه که مدد کش د پاورقی ذکر گردیده از شرابع حق قدس سر  
گرفته شده.